

حقوق جزای اختصاصی اسلام

دکتر عابدین مؤمنی

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
	بخش اول: کلیات
۹	فصل اول: ضرورت مجازات
۹	ضرورت مجازات و بیان مستندات شواهد قرآنی
۱۸	دیدگاه مخالفان مجازات مجرمان
۲۰	نقد دیدگاه مخالفان مجازات بزهکاران
۲۳	اصلاح و بازسازی بزهکاران
۲۷	فصل دوم: مفاهیم و تعاریف
۲۷	مفهوم حد
۲۹	مفهوم تعزیر
۳۴	تفاوت حد و تعزیر
۳۵	حد و تعزیر، اقدام تأمینی - تربیتی
۳۷	اسباب حدود و تعزیرات
۳۸	حکمت مجازات شرعی
۳۹	فصل سوم: مجری مجازات
۳۹	فقها، متولی اجرای مجازات
۴۸	حکم دستور قاضی به احضار متهم و ضرر ناشی از آن
۵۱	حکم مجازاتی که به مرگ مجرم منجر می‌شود
۵۴	حکم احراز فاسق بودن شاهدان پس از صدور و اجرای حکم
۵۵	عدالت در اجرای حدود

صفحه	عنوان
۶۰	فصل چهارم: مجازات و آزادی (پاسخ به برخی شبهات)
۶۰	شبهه منافات مجازات اسلامی در حوزه امور فردی با آزادی
۶۳	انگیزه پیدایش نظریه مذکور
۶۶	حق آزادی
۶۹	شبهه ناسازگاری مجازات اسلامی با عدالت
۷۱	واضع قوانین کیفری

بخش دوم: حدود و تعزیرات

۷۷	فصل اول: مجازات زنا
۷۷	حکم زنا در شریعت اسلام
۷۸	فلسفه حرمت زنا
۸۰	ماهیت زنا
۸۳	نقد تعریف شهید از زنا
۸۵	شبهه حلیت آمیزش و مصادیق آن
۹۱	حکم اجاره زن برای زنا
۹۷	حکم اکراه به زنا
۹۹	راه‌های اثبات زنا
۱۰۲	مقصود از چهار بار اقرار چیست؟
۱۰۹	اثبات زنا از طریق بیّنه و گواهی
۱۲۳	مجازات زنا و اقسام آن
۱۲۴	کشتن زناکاران و شرایط آن
۱۴۱	سنگسار زناکاران
۱۵۸	صد تازیانه
۱۶۴	صد تازیانه همراه با تراشیدن موی سر و تبعید کردن
۱۶۷	کیفر بردگان زناکار
۱۶۸	کیفر زناکار بیمار (ضِعْث)
۱۶۹	تأثیر زمان و مکان
۱۷۰	تعارض شهادت‌ها
۱۷۲	حاکم شرع با استناد به علم خود حد اقامه می‌کند

صفحه	عنوان
۱۷۷	ازالۀ پردهٔ بکارت با انگشت
۱۷۸	حکم اقرار مبهم نسبت به گناه
۱۷۹	کیفر بوسیدن و امثال آن
۱۷۹	بارداری زن بدون شوهر
۱۸۰	حکم انکار بعد از اقرار
۱۸۱	حکم توبهٔ بعد از اقرار
۱۸۳	فصل دوم: همجنس گرایی، واسطه‌گری و انحرافات جنسی
۱۸۳	حکم لواط در شریعت اسلام
۱۸۵	مقصود از لواط و دلیل نام‌گذاری آن
۱۸۶	راه‌های اثبات لواط
۱۸۷	کیفر لواط
۱۹۰	کیفر تفخیز و امثال آن
۱۹۳	عوامل سقوط حد لواط
۱۹۳	حکم بوسیدن پسر نوجوان
۱۹۴	حکم خوابیدن دو مرد لخت و نامحرم در زیر یک لحاف
۱۹۵	حکم مساحقه در شریعت اسلام
۱۹۷	راه‌های اثبات مساحقه
۱۹۸	کیفر مساحقه
۱۹۹	عوامل سقوط حد مساحقه
۲۰۰	حکم خوابیدن دو زن لخت در زیر یک لحاف
۲۰۱	حکم مساحقهٔ زن آمیزش شده با دوشیزه
۲۰۴	حکم دلالتی و واسطه‌گری در انحرافات جنسی
۲۰۶	راه‌های اثبات دلالتی و واسطه‌گری
۲۰۷	کیفر قیادت و دلالتی
۲۰۸	حکم وساطت در اقامه نکردن حد
۲۰۹	انحرافات جنسی غیر متعارف
۲۱۰	۱. آمیزش با چهارپایان
۲۱۳	۲. کیفر آمیزش با اموات
۲۱۴	۳. کیفر استمناء (خودارضایی)

صفحه	عنوان
۲۱۸	فصل سوم: احکام قذف، توهین، نیش و کنایه
۲۱۸	حکم قذف در شریعت اسلام
۲۲۱	الفاظ قذف
۲۲۵	حکم نیش و کنایه
۲۲۸	حکم جسارت به اشخاص
۲۳۱	شرایط مجازات کردن قاذف
۲۳۴	کیفر نسبت زنا دادن دو نفر به همدیگر
۲۳۵	کیفر قذف در صورتی که نسبت به افراد متعدد باشد
۲۳۶	کیفر و مجازات قذف
۲۳۷	راه‌های اثبات قاذف بودن
۲۳۹	وارثان حد قذف را به ارث می‌برند
۲۴۳	کیفر قذف پس از سه بار اقامه حد
۲۴۵	قذف پدر و فرزند
۲۴۶	اسباب ساقط شدن حد قذف
۲۴۹	جرایم کودکان و تأدیب آنها
۲۵۲	کیفر ترک واجبات و انجام محرمات
۲۵۳	کیفر دشنام (سب) به پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع)
۲۵۹	کشتن دشنام‌دهنده به پیامبر (ص) نیاز به اذن ندارد
۲۶۱	شرط مجاز بودن همه مسلمانان در به قتل رساندن دشنام‌دهنده پیامبر (ص)
۲۶۲	حکم دشنام و قذف نسبت به مادر پیامبر اسلام (ص)
۲۶۳	حکم مدعی نبوت
۲۶۳	حکم شک نسبت به نبوت پیامبر خاتم (ص)
۲۶۴	کیفر ساحر
۲۶۶	فصل چهارم: احکام شرب خمر و مسکرات
۲۶۶	حکم مشروبات مست‌کننده از نظر اسلام
۲۷۱	کیفر شراب‌خواری
۲۷۳	کیفیت تازیانه زدن شراب‌خوار
۲۷۴	حکم تکرار شراب‌خواری
۲۷۵	حکم شراب‌خواری که شراب‌خواری را حلال می‌داند

صفحه	عنوان
۲۷۷	عوامل سقوط حد از شراب‌خوار
۲۷۷	راه‌های اثبات شراب‌خواری در دادگاه
۲۸۰	ادعای اکراهی بودن شراب‌خواری
۲۸۱	حکم اضطرار به نوشیدن خمر
۲۸۳	کیفر آشامیدن «نپید» در صورتی که معتقد به حلال بودن آن باشد
۲۸۴	حکم جاهل نسبت به موضوع یا حکم شراب
۲۸۴	انکار ضروریات دین و حکم آن
۲۸۶	فصل پنجم: احکام و مجازات سرقت
۲۸۶	حکم سرقت از نظر اسلام
۲۸۸	شرایط کیفر و مجازات دزد
۲۹۸	فروعاتی از مسئله شرایط سرقت
۲۹۸	۱. حکم مباشر و سبب
۲۹۸	۲. حکم سرقت امین
۳۰۲	۳. مفهوم حرز
۳۰۴	۴. حکم سرقت و چیدن میوه روی درخت
۳۰۵	۵. حکم آدم‌ربایی
۳۰۶	۶. حکم سرقت کفن
۳۰۷	۷. راه اثبات سرقت
۳۱۲	۸. لوازم اثبات سرقت
۳۱۴	۹. بریدن دست دزد، به تقاضای مالباخته بستگی دارد
۳۱۵	۱۰. بریدن دست دزد مشروط به مقدار نصاب است
۳۱۶	۱۱. کیفر سرقت
۳۲۱	۱۲. حکم گواهی دو عادل پس از گواهی دو عادل اول
۳۲۳	فصل ششم: احکام و مجازات محارب در اسلام
۳۲۳	دیدگاه اسلام درباره محارب
۳۲۸	انگیزه محارب
۳۲۹	حکم دیده‌بان و معین
۳۲۹	راه‌های اثبات محاربه

صفحه	عنوان
۳۳۰	کیفر محارب
۳۳۴	احکام به دار آویختن محارب
۳۳۵	احکام تبعید محارب
۳۳۶	حکم توبه محارب
۳۳۷	دزد در حکم محارب است
۳۳۸	شکل‌های مختلف سرقت اموال و کیفر آن
۳۴۰	حکم داروهای خواب‌آور و مانند آن
۳۴۱	فصل هفتم: احکام و مجازات ارتداد و جرایم متفرقه
۳۴۱	تعریف ارتداد
۳۴۳	علامت ارتداد
۳۴۳	اقسام مرتد
۳۴۵	مجازات و کیفر مرتد فطری
۳۴۷	حکم ارتداد طفل، مجنون و مکره
۳۴۷	مجازات و کیفر مرتد ملی
۳۴۹	حکم زن مرتد
۳۵۰	تکرار ارتداد مرتد ملی
۳۵۲	حکم دفاع از جان و مال و ناموس
۳۵۳	شرایط دفاع
۳۵۴	دفاع از همسر
۳۵۵	حکم چشم‌چرانی
۳۵۷	حکم دفع حمله حیوان
۳۵۷	حکم گاز گرفتن
۳۵۷	حکم آسیب دیدن طفل و زوجه بر اثر تأدیب
	بخش سوم: قصاص
۳۶۰	مقدمه: جایگاه حیات در بینش اسلامی
۳۶۰	حق حیات
۳۶۴	فلسفه حرمت خودکشی و دیگرکشی (قتل)
۳۶۸	در دیدگاه اسلام انسان محترم است

صفحه	عنوان
۳۷۰	راه‌های پیشگیری از تعدی انسان‌ها به یکدیگر
۳۷۱	و جوب توبه بر قاتل
۳۷۲	پذیرش توبه قاتل در نزد خداوند متعال
۳۷۵	فصل اول: قصاص نفس
۳۷۵	واژه قصاص
۳۷۵	قصاص نفس
۳۷۷	تفسیر قتل عمد
۳۸۱	قتل شبه‌عمد و قتل خطایی
۳۸۲	نمونه‌ها و مصداق‌های قتل عمد
۳۸۵	حکم اجتماع سبب و مباشر در قتل
۳۸۹	حکم مباشرت گروهی در کشتن یک نفر
۳۹۲	حکم مباشرت چند خنثی در کشتن یک مرد
۳۹۳	حکم مباشرت یک مرد و یک زن در کشتن یک مرد
۳۹۴	شرایط قصاص
۳۹۴	۱. برابری قاتل و مقتول در حریت و بردگی
۴۰۰	۲. برابری قاتل و مقتول در دین و اعتقاد
۴۰۸	۳. قاتل در صورتی قصاص می‌شود که پدر مقتول نباشد
۴۱۰	۴. در صورتی که قاتل یا مقتول عاقل باشند قصاص اجرا می‌شود
۴۱۳	۵. قاتل در صورتی قصاص می‌شود که مقتول «محقون الدّم» باشد
۴۱۴	راه‌های اثبات قتل در دادگاه
۴۱۵	شرایط اقراری که اثبات‌کننده قتل است
۴۱۶	تعارض اقرار
۴۱۹	گواهی و ویژگی‌های آن در اثبات قتل
۴۲۲	قسامه و چگونگی اثبات قتل به وسیله آن
۴۳۱	حکم قسامه برای جراحات‌های عضوی
۴۳۵	حکم متهم به قتل
۴۳۶	حکم کشف مقتول در مکان‌های عمومی

صفحه	عنوان
۴۳۷	فصل دوم: قصاص اعضای بدن
۴۳۷	حکم قصاص اعضا
۴۳۸	شرایط قصاص کردن در اعضا
۴۴۴	آیا پس از وقوع جنایت بلافاصله قصاص اجرا می شود؟
۴۴۶	قصاص چگونه انجام می شود؟
۴۴۷	قصاص چشم
۴۵۲	قصاص مو
۴۵۳	قصاص آلت تناسلی مرد
۴۵۴	قصاص گوش
۴۵۶	قصاص بینی
۴۵۶	قصاص دندان
۴۶۱	حق تقدم در قصاص
۴۶۲	فصل سوم: احکام قصاص
۴۶۲	احکام قصاص
۴۶۶	هرگاه «مَجْنُونٌ عَلِيَّةٌ» بعد از جنایت بمیرد حکم چیست؟
۴۶۶	بہتر است قصاص در حضور دو شاهد انجام شود
۴۶۷	ابزار و کیفیت قصاص
۴۶۹	حکم مُثْلَةٌ کردن جنایت کار
۴۷۳	در صورتی که قصاص اعضا به مرگ منجر شود حکم چیست؟
۴۷۴	اجرت قصاص کننده
۴۷۴	قصاص را وارثان به ارث می برند
۴۷۷	آیا استیفای قصاص به اذن حاکم شرع بستگی دارد؟
۴۷۹	حکم استیفای حق در صورتی که صاحبان خود متعدد باشند
۴۸۱	حکم مصالحه به دیه
۴۸۳	حکم مشارکت پدر با بیگانه در قتل فرزند؛ مسلمان و کافر و عامد و خاطی در قتل
۴۸۳	حکم استیفای قصاص به وسیله سفیه و ورشکسته (مُقَلَّس)
۴۸۴	آیا دَیْن و بدهکاری، مانع قصاص می شود؟
۴۸۵	حکم وکالت در استیفای قصاص
۴۸۶	حکم قصاص زن باردار
۴۸۷	حکم گریختن قاتل و هلاکت او

بخش چهارم: دیات

۴۹۱	فصل اول: موجبات ديه
۴۹۱	فلسفه ديه
۴۹۴	اسباب وجوب ديه
۴۹۵	مسئولیت مدنی پزشك
۵۰۰	حکم جنایت در حالت خواب
۵۰۱	حکم جنایتي که در حمل بار اتفاق افتد چیست؟
۵۰۲	حکم آمیزشی که با عُنْف و سختی انجام شود، چیست؟
۵۰۳	حکم بانگ زدن در بی خبری
۵۰۴	حکم صدمه زدن و تصادف
۵۰۷	حکم هشدار تیرانداز
۵۰۷	حکم پرتاب شدن از بلندی و افتادن روی شخص دیگری
۵۰۹	ضمانت نفوس
۵۱۳	حکم غلتیدن دایه بر روی طفل
۵۱۴	حکم برگرداندن طفل به وسیله دایه
۵۱۵	حکم مشارکت در جنایت
۵۱۶	حکم دزدی که در دزدی به قتل رسیده
۵۱۸	حکم مشارکت چهار مست در قتل و جرح یکدیگر
۵۱۹	حکم غرق شدن یکی از همراهان و گواهی بقیه افراد علیه همدیگر
۵۱۹	ضمانت آموزگار شنا
۵۲۰	مسئولیت ساختن مسجد در خیابان
۵۲۱	مسئولیت ایجاد موانع با گذاشتن سنگ و امثال آن در راهها یا ملک دیگران
۵۲۲	حکم سقوط دیوار
۵۲۳	مسئولیت افتادن ناودان، بالکن و روشن
۵۲۵	مسئولیت روشن کردن آتش
۵۲۶	مسئولیت حیوانات
۵۲۷	مسئولیت سوار بر اسب نسبت به اسب
۵۲۸	اجتماع سبب و مباشر
۵۲۹	مسئولیت کسی که به گودال شیر افتاد و دیگری را با خود به درون آن کشاند

صفحه	عنوان
۵۳۳	فصل دوم: مقدار دیه
۵۳۳	دیه نفس در قتل عمد
۵۳۵	دیه نفس در قتل شبه عمد و قتل خطایی
۵۳۷	حکم جنایت در ماه‌های حرام و در حرم
۵۳۸	دیه سایر موارد
۵۳۹	مقدار دیه اعضا
۵۵۰	دیه منافع
۵۵۰	دیه از بین رفتن عقل
۵۵۲	دیه از بین رفتن شنوایی
۵۵۳	دیه از بین رفتن بینایی
۵۵۴	دیه از بین رفتن حس بویایی
۵۵۵	دیه حس چشایی
۵۵۶	دیه ناتوانی در انزال منی و باردار نشدن
۵۵۶	دیه سلس بول
۵۵۷	دیه از بین رفتن صدا
۵۵۹	فصل سوم: زخم و جراحات‌های سر و صورت
۵۵۹	بیان زخم و جراحت سر و صورت
۵۶۱	دیه زخم‌ها و جراحات‌های دیگر
۵۶۳	مفهوم حکومت و ارش
۵۶۴	حکم قصاص و دیه کسی که ولی ندارد
۵۶۶	فصل چهارم: جنایت‌های متفرقه
۵۶۶	دیه جنین
۵۶۸	دیه جنایت بر میت
۵۶۹	پرداخت دیه توسط عاقله و مفهوم آن
۵۷۳	کیفیت تقسیط دیه بر خویشاوندان
۵۷۳	پدری که قاتل فرزندش است از میراث او سهم ندارد
۵۷۴	کفاره قتل
۵۷۶	فصل پنجم: دیه جنایت بر حیوانات
۵۷۹	منابع و مأخذ

پیشگفتار

یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در ساحت اجتماعی دین اسلام، نظام حقوقی آن است که در اصطلاح «فقه» نامیده می‌شود. حقوق اسلامی تابعی از رفتارهای عرفی و رویه‌های موقت و مرسوم در یک جامعه نیست، بلکه ناظر به عمق یک رفتار، و نیاز آدمیان به همزیستی مسالمت‌آمیز، سازنده، کمال‌آفرین، خلاق و کارآمد است. به عبارت دیگر حقوق اسلامی واکنشی انفعالی به فرهنگ، اخلاق و رفتارهای عمومی مردم در زندگی اجتماعی نیست، بلکه راهبردی سازنده و مؤثر در جهت نیل به مراتب عالی و تصحیح‌کننده فرهنگ و عرف متداول در جوامع است. [دانش] فقه بر اساس جنبه‌های ظاهری و نمودهای آشکار «حقوق اسلامی» و با عنایت به نمودهای درونی و نهانی اعمال و افعال «فقه» نامیده می‌شود، لذا فقه و حقوق، دو نام برای یک حقیقت و دو تعبیر از یک واقعیت است: «خاورشناسان و حقوق‌دانان غربی- به پیروی از عناوین فرهنگی خود- فقه را حقوق اسلام می‌خوانند و آن را یکی از پنج سیستم بزرگ حقوقی جهان قلمداد می‌کنند»^۱.

«حقوق اسلامی چیزی جز یکی از چهره‌های آیین اسلام نیست. این آیین از سویی، شامل معارفی است که اصول دین را تعیین می‌کند و آنچه را که هر مسلمانی باید به آن معتقد باشد مشخص می‌کند و از سوی دیگر، قسمتی را به نام «شرع» در بر می‌گیرد که آنچه را مؤمنان باید انجام دهند یا انجام ندهند معین می‌کند. شرع یا شریعت، یعنی «راهی که باید دنبال شود»؛ عبارت از همان چیزی است که حقوق اسلامی نامیده می‌شود»^۲.

«شریعت یا حقوق قدسی اسلام مجموعه‌ای فراگیر از تکالیف مذهبی، یعنی تمامی فرامین خداوند است که کلیه جنبه‌های زندگی یک مسلمان را تحت نظم در آورده و در ترازوی یکسان، مشتمل بر احکام راجع به عبادات و مناسک آن و نیز قواعد سیاسی و

۱. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱۸.

۲. نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۶۴، ص ۴۴۳.

مقررات قانونی سامان داده است.^۱

در ادبیات حقوقی جهان، فقه و شریعت به عنوان «حقوق اسلامی» به رسمیت شناخته شده است؛ صاحب نظران علم حقوق در داخل کشور نیز بر این امر صحه نهاده‌اند: «حقوق اسلامی از دیرباز یکی از منابع مهم نظم حقوقی در ایران بوده است، پیش از انقلاب مشروطیت، رویه قضایی بر پایه این حقوق استوار بود و قضات شرع قواعد فقه را همچون قوانین رسمی کشور رعایت می‌کردند».^۲

«و در دوره مشروطه اندیشه‌های نویسندگان و دانایان حقوق بر این بود که می‌کوشیدند تا مبانی احکام قانون مدنی را در فقه بیابند و نوزاد گرامی قانون را در گهواره سنتی خود پرورش دهند»^۳

بر این اساس صاحب نظران، اندیشمندان و اسلام‌شناسان نه تنها میان دین و حقوق تنافی و تعارضی نمی‌بینند، بلکه پی‌ریزی یک نظام حقوقی را که در آن احکام دارای ضمانت اجرایی باشد کاملاً امکان‌پذیر می‌دانند. در این میان منتسکیو قواعد و مقررات مذهبی و دینی را پند و اندرز دانسته است، نه حقوق:

«قوانین بشری چون برای افراد مردم وضع شده است، باید دارای مقررات باشد و احتیاجی به پند و اندرز ندارد؛ اما قوانین دینی چون برای روح و قلوب مردم وضع شده است، بایستی بیشتر پند و اندرز داشته و کمتر حاوی مقررات باشد. مثلاً وقتی در دیانت قواعد و مقرراتی وضع می‌شود که شخص نه تنها خوب، بلکه از بهترین افراد باشد و همچنین بر رفتاری تأکید می‌گردد که شخص را به اعلاء درجه کمال برساند، در آن صورت بایستی این قواعد و مقررات به صورت پند و اندرز ذکر شود؛ به دلیل اینکه وصول به اعلاء درجه کمال چیزی نیست که در خور استعداد همه افراد بشر باشد، در صورتی که شارع بخواهد به جای هر یک قوانینی وضع نماید، از قوت قوانین کاسته خواهد شد، تازه برای اجرای هر یک از قوانینی که به منظور رساندن بشر به اعلا کمال وضع شده، باید قوانین بی‌شمار دیگری را وضع نمود، تا منظور شارع حاصل گردد».^۴

اظهارات منتسکیو ناظر به انکار جنبه اجتماعی و شخصی دانستن دین است؛ زیرا دستورات دین برای (۱) خوب بودن، بلکه بهترین فرد بودن؛ (۲) و به اعلا درجه کمال رسیدن است. بعضی استعداد دست یافتن به آن را دارند و بعضی چنین نیستند! پر واضح است که تلاش

۱. دیباچه‌ای بر فقه اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱.

۲. فلسفه حقوق، ۱۳۷۷، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۳. همان، ص ۳۸۲.

۴. روح القوانين، ۱۳۶۲، ص ۶۷۵.

دین برای برابر دیدن و به کمال رساندن همه انسان‌ها نافرجام خواهد ماند. دین به واقع ابزاری است که به مدد آموزه‌های خود انسان‌ها را در نیل به کمال و سعادت یاری می‌دهد. در مقابل جامعه برای پیشبرد اهداف خود نیازمند وضع مقررات است، اگر دین به جای پند و اندرز و نشر و تعمیق آموزه‌های اخلاقی خود به وضع مقررات بپردازد از هدف اصلی‌اش دور و در نتیجه آن از قوت قوانین شرع کاسته می‌شود. «همه این فلسفه‌بافی‌ها که در واقع برای کنار زدن دین از دخالت در اداره جامعه است که با زبان محترمانه و با احترام به دین و از روی دلسوزی بیان گردید؛ اولاً نتیجه مدیریت نادرست اصحاب کلیسا بوده است که با فساد، رشوه‌خواری، پشت پا زدن به اصول اخلاق، آزمندی، و سیاست‌بازی فاجعه‌آمیز توأم بوده است».^۱ دلیل بروز این روش ناصواب در اداره جامعه، کاربست پند و اندرز در مقام مقررات است، وانگهی شناخت سطحی اصحاب کلیسا مانع از فهم عمیق و صحیح جنبه‌های اجتماعی دین بوده است.

«اندیشه» فردی دیدن دین اگرچه با امثال منتسکیو در قرن هجدهم در مغرب زمین پدید آمد، سرانجام موفق شد حکومت با فکر منهای دین را پدید آورد. اما این اندیشه غلط در مغرب زمین متوقف نشد، از جمله به کشورهای اسلامی راه یافت و در ایران بعد از تشکیل حکومت مشروطه «در نظم حقوقی» دو موج اسلام‌گرایی و تجدد خواهی، گاهی در هم آمیخت و گاه از هم فاصله می‌گرفت تا سرزمینی را در انحصار خود بگیرد. برخوردها و تعارض‌ها نیز کم نبود و مبارزه‌های پنهانی و آشکار ادامه داشت. و چشم‌های بی‌تفاوت و بی‌نظر در این انتظار بود که یکی از دو نیرو در نبرد غالب آید تا با خیالی آسوده به آن پیوندد. انقلاب [اسلامی] ۱۳۵۷ نیروی پیروز را برگزید، قانون اساسی جمهوری اسلامی، به طور رسمی حقوق اسلامی را به صحنه زندگی آورد و سایر نهادهای حقوقی را در خدمت این آرمان گرفت».^۲

بر پایه اصل چهارم قانون اساسی:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

در اصل یکصد و شصت و هفتم وظیفه قاضی چنین بیان شده است:

«قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت

۱. تاریخ بی‌خردی از تروا تا ویتنام، ۱۳۹۱، ص ۱۷۸۸۳.

۲. فلسفه حقوق، ۱۳۷۷، ص ۳۸۲-۳۸۳.

یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». در عرصه رقابت‌های سیاسی همچنان شاهد کشمکش پنهان و آشکار اسلام‌گرایی و تجددطلبی هستیم. تجددطلبان از مشروطه تا امروز بر طبل شخصی و فردی بودن دین می‌کوبند، دین را به اخلاقیات تقلیل می‌دهند و مقررات و دستورالعمل‌های اداره کشور را در غیر دین سراغ می‌گیرند.

صرف نظر از منازعات سیاسی در خصوص این موضوع، راست آن است که اسلام به عنوان دینی منبعث از وحی با وضع قواعد و مقررات مترقی در طول تاریخ، توانایی خود را در اداره کشور و جامعه ثابت کرده است. عالمان و فقیهان مسلمان به عنوان حقوق‌دانان اسلامی وظیفه استنباط احکام را بر عهده داشته‌اند. آثار فقهی افزون بر معرفی توانمندی فقیهان در استنباط احکام، منظومه حقوقی بسیار دقیق و منظمی را سامان داده است. در حوزه فقه امامیه کتاب‌های *شرایع الاسلام* تألیف ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن معروف به «محقق حلّی» را داریم که دربرگیرنده یک دوره حقوق بر مبنای شرع قویم اسلام و اثری متقن و سنجیده است. نگارش دو کتاب *مسالك الأفهام* شهید ثانی و *جواهر الکلام* شیخ محمد حسن نجفی، حاوی شرح‌هایی مفصل بر این اثر (شرایع‌الاسلام) گویای مقام بلند آن در فقه و حقوق اسلامی است. همچنین است کتاب‌های *قواعد الأحکام* و *تحریر الاحکام*، نوشته حسن بن یوسف بن مطهر معروف به «علامه حلّی» و *لمعة دمشقیة* و *روضه البیّه* به قلم محمد بن مکی (شهید اول) و زین‌الدین جبعی عاملی (شهید ثانی) که از منابع مهم نگارش قانون مدنی در حقوق اسلامی به شمار می‌روند؛ لذا حقوق‌دانان کشور برای شرح قانون مدنی، از این کتاب‌ها و دیگر آثار نوشته شده در زمینه فقه اسلامی استفاده کرده‌اند.

ظهور شخصیت‌های علمی برجسته در فقه امامیه نظیر کاشف‌الغطاء، علامه بحرالعلوم، شیخ محمد حسن نجفی صاحب *جواهر الکلام*، سید علی طباطبایی مؤلف *ریاض المسائل*، به‌ویژه شیخ مرتضی انصاری، شریف‌العلماء آملی، آخوند محمد کاظم یزدی صاحب *عروة الوثقی* و حاشیه بر مکاسب، علامه نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی، و امام خمینی که از اعظام فقه شیعی و در فقه مدنی و جزایی صاحب آراء بدیع و ابتکاری‌اند، به شکوفایی و غنای علمی این حوزه کمک شایانی کرده‌اند.

در حوزه قواعد عمومی قراردادها از مکاسب شیخ انصاری، حواشی سید یزدی، مامقانی، اصفهانی، به‌ویژه کتاب *البیع* امام خمینی تحلیل‌ها و تبیین‌های بسیار عمیقی ارائه و در ادامه به منبع نگارش قواعد عمومی قراردادها تبدیل شد. در تمامی حوزه‌های حقوقی از اندیشه‌های حقوقی فقیهان ممتاز، استفاده شده است. امام خمینی «ره» با تأکید بر ورود فقه به حقوق اساسی، حقوق عمومی و سیاسی، زمینه گرایش آن را به سوی حقوق دولتی

فراهم کردند که اقدام بسیار مثبتی در حوزه فقهی امامیه به شمار می‌رود. وقوع انقلاب ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی موجب احیا و بازسازی فقه امامیه و توسعه فقه اسلامی شد. ناگفته نماند که تحقیقات ارزشمند فقیهان پر تلاش در سایر مذاهب اسلامی، همواره یکی از منابع ارزشمند تحول و تکامل فقه و حقوق اسلامی بوده است.

در روزگار رونق و پویایی فقه، فقهای مذاهب اسلامی از اندیشه‌های یکدیگر بهره می‌بردند. علاوه بر این اندیشه‌های فقهی و فتاوا قرابت بسیاری با یکدیگر دارند. در بخش جزایی که جزء کوچکی از دانش گسترده فقه است مقایسه میان آراء، تحلیل‌ها و مبانی فقهی و حقوقی مذاهب اسلامی نیز بر این واقعیت صحنه می‌گذارد. بر اثر تعامل علمی عالمان و فقیهان مذاهب اسلامی، نه تنها دل‌ها به هم نزدیک می‌شود، و پیروان علما با یکدیگر انس و الفت می‌گیرند، بلکه به واسطه تألیف قلوب و تحکیم علقه‌های عاطفی، زمینه ارتقا و پیشرفت امت اسلامی و رشد و تکامل اندیشه‌های فقهی نیز فراهم می‌شود. فقه بهترین زمینه و ارزشمندترین سرمایه برای تقویت اخوت اسلامی است. در پرتو اخوت اسلامی می‌توان به حل مسائل و رفع مشکلات جهان اسلام امیدوار بود.

چشم‌پوشی عالمان و فقیهان اسلامی از اختلاف نظرهای جزئی و برقراری روابط دوستانه، نزدیکی پیروان آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. همپوشانی آراء و نظرات فقهی به عنوان راهنمای عمل فردی و اجتماعی، موجب خواهد شد تا عالمان و فقیهان بهانه‌ای برای اجتناب از تعامل و تفاهم با همتایان خود در دیگر مذاهب نداشته باشند! آنان در صورت هر گونه قصور و یا تقصیر، در برابر خداوند متعال، افکار عمومی جهان اسلام، پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان معصوم سلام‌الله‌علیهم اجمعین مسئول‌اند.

به هر روی همان‌گونه که فقه علم به تکالیف شرعی هر فرد مسلمان و دولت اسلامی است، علم به حقوق اسلامی نیز هست؛ برای نمونه در بخش جزایی اگر فردی به ارتکاب جرم متهم شود، فقه آن‌قدر برای او حقوق فائل شده است که بر شمردن تمامی مصداق‌های آن و همچنین حقوق شخصی که اتهامش ثابت شده است (مجرم)، دشوار است.

در کتاب حاضر ضمن بر شمردن این موارد، جرم و مجازات آن‌ها نیز بیان شده است. حقوق متهم و مجرم نیز تا حد امکان استقصا شده است؛ برای مثال کسی که در حوزه حقوق الهی متهم به ارتکاب جرم شده است آیا تحقیق در ارتکاب جرم و اثبات آن مجاز است؟ آیا شاهدان ارتکاب جرم در ادای شهادت محدودیت دارند. آیا وظیفه قاضی تلاش در اثبات جرم است یا در دفع مجازات؟ در این کتاب از تمامی این حقوق سخن رفته است؛^۱ این تصور که

فقه را علم به تکالیف می‌داند، ارتباط و وثیق حقوق و تکالیف را مغفول نهاده است. حقوق‌دانی فقیهان اگر از تکلیف‌دانی آن‌ها بیشتر نباشد، کمتر نیست! به بیان دیگر حقوق فرزند فقه است. از افکار و آراء فقهی موجود در ادیان است که حقوق تکوین یافته است. سخن منتسکیو درباره نسبت مقررات با پند و اندرز گویای ریشه داشتن حقوق در ادیان و مذاهب است؛ از این رو ادعای استقلال این نهاد از نهاد برساننده خود، مطالبه‌ای ناصواب است. حقوق مستقل از ادیان، به دلیل گسست از ایمان دینی به تزویر و نیرنگ صبغه حقوقی می‌بخشد. فجایع عالم از حقوق منهای خدا ناشی می‌شود. محوریت یافتن حقوق در نظام بین‌الملل نه تنها به بهبود وضع جهان کمک نکرده است، بلکه به ابزار توجیه جنایت زورگویان و ستمگران علیه ملت‌های مظلوم تبدیل شده است! در پرتو رویکردهای تبعیض‌آمیز و جانبدارانه شورای امنیت و سازمان ملل جنایات رژیم سفاک اسرائیل نادیده گرفته می‌شود؛ این در حالی است که در حقوق شریعت محور، اصالت با حقیقت عمل و تجربه مؤمنانه‌ای است که در آن فرد دیندار خود را با خدای خویش رو در رو می‌بیند؛ از همین رو سعادت دنیا نه در استقلال حقوق از اخلاق و ایمان دینی، بلکه در جدا شدن از خدایگان زمینی است که در روزگار کنونی زیرنام‌های پُرطمطراق ولی پوشالی و زیرتأثیر و نفوذ ابرقدرت‌های شرق و غرب شاهد وقوع جنایات هولناک و تضییع آشکار حقوق ملت‌های مظلوم در جای جای جهان‌اند! عالمان ربّانی حقوق‌دانانی هستند که با اطاعت و استعانت از خداوند متعال جامعه را مدیریت می‌کنند. رسالت خود را در وهله نخست پاسخگویی به خداوند بزرگ می‌دانند، و حق نظارت امت اسلامی را بر کار و کردار خویش به رسمیت می‌شناسند، مسلمانان نیز باید ضمن انجام تکالیف فردی، وظیفه اجتماعی‌شان را نیز ادا و بر عملکرد مدیران جامعه اسلامی نظارت کنند.

در پایان افتخار است یادی از استاد فرزانه و گرانقدر مرحوم دکتر احمد احمدی رضوان‌الله تعالی علیه رئیس و بنیانگذار «سمت» داشته باشیم که از محضر او در درس مکتب‌های فلسفی غرب بهره‌وافر برده‌ام که برایم زهی سعادت که محضر علمی ایشان را درک کردم استادی فاضل، باتقوا که شایسته است اساتید دانشگاه او را به عنوان الگو در انجام وظایف دانشگاهی قرار دهند رحمت الهی بر او باد.